

نگاهی به stattdessen در زبان آلمانی

سلام دوستان ؛

در این درس می‌خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به **stattdessen** در زبان آلمانی ؛ این لغت شامل معانی زیر میشود :

در عوض ؛ به جایش ؛ به جای آن

یکی از کاربردهای ساده این قید درست همانند زبان فارسی اینگونه است : او میخواست امروز بیاید ولی **به جاش** تلفن زد یا اینکه برای مثال گفته شود : مهمونی کنسل شد ؛ می‌خواهی **به جاش** یا **در عوض** آن به سینما برویم؟

اجازه بدهید مثال های فارسی بالا و چند مثال دیگر را در زبان آلمانی داشته باشیم

Er wollte heute kommen, hat aber **stattdessen** angerufen

او میخواست امروز بیاید ولی **به جاش** تلفن زد

Die Party fällt aus, wollen wir **stattdessen** ins Kino gehen?

آن مهمانی کنسل شد ؛ می‌خواهی **به جاش** بریم سینما؟

Der Kanzler konnte nicht kommen, **stattdessen** schickte er einen Minister

صدراعظم نتوانست بیاید **به جاش** یا **در عوضش** یکی از وزرایش را فرستاد

Das Konzert fällt leider aus. Wir können ja **stattdessen** einen Spaziergang machen

آن کنسرت متأسفانه لغو شد یا کنسل شد ؛ ما می توانیم **به جاش** یه پیاده روی برویم (درتفکر آلمانی : انجام بدهیم)

Er macht die Hausaufgaben nicht, **stattdessen** geht er mit seinen Freunden ins Kino

او تکالیف اش را انجام نمیدهد ؛ **به جاش** با دوستش به سینما میرود.

چنانچه شما نیز در ارتباط با stattdessen مثالی دارید می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید تا دیگران نیز بتوانند از آن استفاده کنند.

موفق باشید.